



ضرورت‌سنجی پیوست تحلیل اقتصادی موضوع قانون به مثابه لازمه قانونگذاری اثربخش

سید احمد حبیب‌نژاد^{۱*}، سمیرا خوثینی^۲ 

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/gjplk.2025.2069.1857](https://doi.org/10.22034/gjplk.2025.2069.1857)

چکیده

قانونگذار همواره در اجرای وظیفه قانونگذاری خود با محدودیت‌هایی مواجه است. این در شرایطی است که هم‌زمان تحت فشارهای سیاسی و اجتماعی، مانند مطالبات مردم و درخواست‌های ذی‌نفعان حزبی، قرار دارد. مرور کمی و کیفی طرح‌ها و لوایح واصله و تعداد پیشنهادها و قانونی مصوب در دوره‌های دوازده‌گانه مجلس شورای اسلامی مؤید این موضوع است. در چنین شرایطی قانونگذار ناگزیر است از میان موارد متعدد دست به انتخاب بزند. در این انتخاب، قانونگذار مؤلفه‌های بینابینی متعددی برای گذر از چالش‌های سیاسی-اجتماعی در نظر می‌گیرد. این شرایط می‌تواند تحقق قانون اثربخش را با چالش روبه‌رو کند. بررسی این امر موضوع پژوهش حاضر است. قانون اثربخش قانونی است که در پرتو تحلیل اقتصادی و از طریق در نظر گرفتن هزینه-فایده مصوب شود. به عبارت دیگر این پژوهش با نگاهی به نیازهای قانونی جامعه مبحث اولویت‌بندی موضوعات قانون و استفاده بهینه از منابع به منظور دستیابی به قانونگذاری اثربخش در نظام تقنینی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. به این منظور، با استفاده از مدل بازار قانون، از ابزارهای اقتصادی برای تحلیل نحوه انتخاب موضوعات قانونی استفاده می‌شود. از جمله تأثیر قیمت‌گذاری (هزینه‌های اجرای قانون) و کشش تقاضا بر رفتار مصرف‌کنندگان قانون (شهروندان)، هزینه-فرصت رسیدگی به موضوعات قانونی، کارایی قوانین، عقلانیت در انتخاب موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرد.



نتایج تحقیق نشان می‌دهد شناسایی نیازهای واقعی جامعه و اولویت‌بندی آن‌ها در انتخاب موضوعات قانونی کلید کاهش هزینه‌های قانونگذاری و استفاده از منابع در موضوعاتی است که بیشترین بازدهی و اثربخشی را دارد. این پژوهش، که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای چالش‌های انتخاب موضوعات قانونی را با استفاده از مؤلفه‌های اقتصادی بررسی می‌کند، می‌تواند به قانونگذاران و مراکز پژوهشی تقنینی در انتخاب موضوعات قانونی با اولویت‌بندی صحیح و بهینه‌سازی منابع یاری رساند و به کاهش هزینه‌های قانونگذاری و افزایش اثربخشی آن دست یابد.

کلیدواژگان: اثربخشی، تحلیل اقتصادی قانونگذاری، حقوق قانونگذاری، قانونگذاری، معیارهای قانونگذاری اثربخش، موضوع قانون، هزینه-فایده.

مقدمه

قانون محصول عوامل متعددی است. اولویت‌بندی موضوعی قانونگذاری، ساختارهای وضع قانون، فرایندها و رفتارهای قانونگذار^۱ از تأثیرگذارترین این عوامل به شمار می‌روند (حق‌پناهان و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۶). در حال حاضر نظام قانونگذاری ایران از ایرادات متعددی رنج می‌برد. نتیجه این ایرادات نوعی از فرایند قانونگذاری است که منتج به ظهور «قانون بد» شده است. تدوین و تصویب و حتی اجرای این قوانین بد هزینه‌های مادی و معنوی متعددی را برای جامعه به بار آورده است (Johnston, 2010: 238). از هزینه‌های قانون بد که نظام حقوقی ایران نیز ممکن است مبتلا به آن‌ها باشد دشواری اجرا و پیگیری نقض، تحمیل هزینه مجدد برای نسخ یا اصلاح، نارضایتی عمومی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، تشتت در احکام صادره دادگاه، و به طور کلی بی‌نظمی در نظام حقوقی کشور است (Xanthaki, 2013: 2). جهت پرهیز از قانونگذاری بد و تبعات زیانبار آن برای جامعه، معیارهای قانونگذاری خوب در چارچوب مفاهیم متعدد مطرح شده است. در این ارتباط واترپول در چارچوب مفهوم قانون باکیفیت دقت و کارآمدی را برجسته می‌کند و معتقد است قانون باید عملی، شفاف، و دارای ضمانت اجرا باشد تا منجر به ایجاد تغییر مطلوب شود (Aitken, 2013: 4). همچنین لون فولر در پرتو نظریه حاکمیت قانون به مثابه یکی از شاخص‌های قانون خوب اصول عام بودن، اطلاع‌رسانی اجتماعی، عطف به ماسبق نشدن، وضوح و شفافیت، بمالایطاق نبودن، متناقض نبودن، و عدم تغییر مکرر را مطرح می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۹). از دیگر نظریه‌پردازان

قانون خوب جرمی والدرون است که با بیان اصول ماهوی و شکلی و تشریفاتی قانونگذاری، عدم خدشه به منافع و آزادی‌ها، رعایت نمایندگی، احترام به عدم توافق، تضارب آراء، تشریفات تقنین، برابری سیاسی و اهمیت روش‌های تصمیم‌گیری را در زمره مشخصات قانونگذاری مطلوب قرار داده است (والدرون، ۱۳۸۸: ۱۱۵ - ۱۳۶). برخی دیگر از محققان تطابق قوانین با بازار، ضمانت اجرایی قوی، شفافیت، علنی بودن تصمیمات، مبارزه با فساد، حمایت از منافع عمومی، کارآمدی، پاسخگویی به نیازهای بازار، و استفاده از تخصص در تدوین قوانین را معیارهایی برای قانونگذاری خوب به عنوان تضمین‌کننده امنیت دانسته‌اند (کرکپاتریک، ۱۳۸۸: ۱۰۸). بنابراین شاخص‌های ارزیابی یک قانون خوب می‌تواند متفاوت باشد. با مرور ویژگی‌های قانونگذاری خوب، نزدیک‌ترین عنصر مفهومی که می‌تواند به تحقق این شکل از قانونگذاری بینجامد عزیمت به سمت اجرا و عملیاتی‌سازی قانونگذاری اثربخش است. اثربخشی همان‌گونه که پیتر دراگر می‌گوید «انجام دادن کارهای درست است» (Drucker, 2018: 20). در حقیقت دستیابی به «قانون اثربخش» به معنای هم‌سو شدن اقدامات قانونگذار با اهداف است به نحوی که در عین حال واجد ویژگی‌های یک قانون خوب نیز باشد. بنابراین، این مفهوم مشتمل بر دو بعد عقلانیت و کارآمدی به صورت توأمان است (Dellis, 2021: 32). قانونگذاری اثربخش فرایند چندوجهی شامل شناسایی نیاز، تحقیق جامع (شامل ارزیابی اثر اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، حقوقی)، تدوین شفاف و دقیق قانون، مشورت با ذی‌نفعان، ارزیابی اثر پیش و پس از اجرا، نظارت بر اجرای قانون، و شفافیت و پاسخگویی است (Hood, 1986: 87; Meuwese et al., 2015: 69). رویکردهای مختلف در خصوص تحلیل اقتصادی جهت تحقق قانونگذاری اثربخش و ورود ابزارهای تحلیل اقتصادی از جمله مفهوم هزینه-اثربخشی (Boardman, 2011: 512) در قانونگذاری مطرح است. از آنجا که تحلیل اقتصادی ابزاری است که می‌تواند با پدیده‌ها فارغ از ارزش آن‌ها و به صورت خنثی برخورد کند با استفاده از آن می‌توان مواضع هنجاری خود را آزمایش، تکمیل، تأیید، یا تصحیح کرد (Dellis, 2021: 3). پس، می‌توان گفت تحلیل اقتصادی ابزاری کلیدی در فرایند قانونگذاری است که با داشتن چهار عنصر عقلانیت، کارآمدی، مکانیسم تخصیص بهینه منابع، و تعادل در قانونگذاری اثربخش نقش‌آفرینی می‌کند (دادگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵؛ دادگر، ۱۳۹۱: ۱۴). اندیشمندان جهان نیز از سال‌ها پیش تحلیل اقتصادی را یکی از روش‌ها در دستیابی به

قانونگذاری اثربخش معرفی کرده‌اند.

دستیابی به نظام قانونگذاری مطلوب در گرو قانونگذاری باکیفیت است. منظور از «کیفیت قوانین» داشتن کیفیت در حداقل چهار جنبه- یعنی موضوع، انشاء یا شکل، محتوا یا ماهیت، فرایند (عملیات عملی)- است (Mousmouti, 2012: 6-7) و دستیابی به قانون اثربخش از طریق به‌کارگیری تحلیل اقتصادی با استفاده از آن در کل فرایند قانونگذاری قابل انجام دادن است. اما، به دلیل محدودیت این مقاله، هدف این پژوهش صرفاً معرفی نحوه کارکرد تحلیل اقتصادی در مرحله انتخاب موضوع قانون است. منظور از موضوع قانون مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است که نیازمند تدوین و تصویب قانون برای حل و فصل آن‌ها هستند. این موضوعات می‌توانند از طریق مطالبات عمومی، گزارش‌های دولتی، پژوهش‌های علمی، و تشخیص نمایندگان مجلس شناسایی شوند و باید معطوف به حل مسئله در جامعه، متمرکز بر اولویت‌ها، و منتج به زندگی بهتر برای اقشاری از جامعه یا همه جامعه باشد. در حال حاضر بیشتر پیشنهادها و قانونی طرح‌های تهیه‌شده توسط نمایندگان هستند که درصد زیادی نیز به نتیجه نمی‌رسند (مکارم و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۳). با این حال، محدودیت زمانی و هزینه‌های بالای مجلس در ایران ایجاب می‌کند که انتخاب موضوعات قانونگذاری با رویکرد تحلیل اقتصادی و مبتنی بر تحلیل هزینه-فایده صورت گیرد تا از حداکثر کارایی و اثربخشی در استفاده از منابع و زمان محدود مجلس اطمینان حاصل شود. در این رویکرد، اولویت‌بندی موضوعات باید بر اساس میزان اثربخشی بالقوه آن‌ها در بهبود رفاه اجتماعی و اقتصادی و همچنین کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از عدم قانونگذاری یا قانونگذاری ناکارآمد تنظیم کرد. مقاله حاضر تلاش دارد تا با معیار قرار دادن اثربخشی در قانونگذاری کلیدی‌ترین شاخصه‌ها در انتخاب موضوع را از منظر رویکرد تحلیل اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، پس از بررسی مناسبات تحلیل اقتصادی با قانونگذاری اثربخش، با شبیه‌سازی قانونگذاری به فضای بازار تلاش می‌شود مفاهیم و ابزارهای اقتصادی قابل استفاده در قانونگذاری تبیین و نحوه کارکرد آن‌ها در انتخاب موضوعات قانونگذاری شرح داده شود و سپس مسیر دستیابی به موضوعات قانونگذاری اثربخش در پرتو تحلیل اقتصادی قانونگذاری بیان شود.

این تحقیق با استفاده از روش اسنادی و رویکرد حیطه‌ای به بررسی کارکرد تحلیل

اقتصادی در انتخاب موضوع قانون می‌پردازد. روش اسنادی به جمع‌آوری و تحلیل متون و منابع موجود در زمینه قانونگذاری و تحلیل اقتصادی متکی است. این روش به ما امکان می‌دهد تا با استفاده از مستندات و داده‌های موجود به بررسی و تحلیل دقیق‌تری از فرایند قانونگذاری و ارتباط آن با تحلیل اقتصادی بپردازیم. همچنین، تمرکز بر حیطه خاص انتخاب موضوع قانون به ما این امکان را می‌دهد که به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه بپردازیم و راهکارهای بهینه‌سازی فرایند قانونگذاری را شناسایی کنیم. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا با تحلیل عمیق‌تر و مبتنی بر شواهد به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم و نتایج معناداری را استخراج کنیم. در واقع پرسش تحقیق پیش رو این است که:

- آیا امکان بهره‌برداری از تحلیل اقتصادی در قانونگذاری وجود دارد؟

- آیا تعیین موضوع قانون می‌تواند در اثربخشی قانونگذاری موثر باشد؟

- استلزامات دستیابی به الگوی مطلوب انتخاب موضوع قانون بر اساس تحلیل اقتصادی قانونگذاری کدام‌اند؟

۱. مناسبات تحلیل اقتصادی و قانونگذاری اثربخش

به منظور بهره‌برداری از رویکرد تحلیل اقتصادی در قانونگذاری باید این نهاد را مشابه بازارهای اقتصادی مورد مطالعه قرار داد (Michelman, 1977: 145). در این بازار قیمت‌گذاری قوانین (ضمانت اجراها)، چانه‌زنی (رأی)^۲، رقابت میان نمایندگان برای تصویب قوانین یا اعمال نظارتی مشابه بازارهای اقتصادی است. بازار قانون مانند سایر بازارها در موقعیت‌های مختلف از الگوهای نسبتاً مشابهی تبعیت می‌کند؛ به این توضیح که رفتار انسانی در قبال موقعیت‌های مختلف تقریباً قابل پیش‌بینی است. در بازار قانون نیز که دارندگان قدرت و میزان قدرت در اختیار آن‌ها مشخص است الگوی نسبتاً تکراری مشاهده می‌شود. بازار قانون بیشترین قرابت را با ویژگی‌های بازار انحصار کامل^۳ دارد. هرچند گاهی مصرف‌کنندگان قانون می‌توانند از طریق مقررات یا آیین‌نامه‌ها یا ابزارهای دیگری نیز به مقصود خود نایل شوند، در غالب موارد قانون یک کالای انحصاری به شمار می‌رود. بنابراین تعیین قیمت آن نیز در اختیار قانونگذار به عنوان تولیدکننده انحصاری است. با وجود این، همان‌طور که در کالای انحصاری نیز می‌توان شاهد بود در مواردی که کالای انحصاری قیمت بالایی داشته باشد یا مصرف‌کننده از آن رضایت نداشته باشد احتمال صرف‌نظر از مصرف آن و روی آوردن به کالای جایگزین نیز بالا

می‌رود. بنابراین تولیدکننده قانون در تعیین قیمت قانون باید مفهوم کشش و میزان آن را در هر قانون به‌خوبی درک کند تا باعث فرار مشتری به سمت کالای جایگزین، که ممکن است حتی تخلف از قانون یا گریز از آن باشد، نشود (نعیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). چون برخلاف گذشته، که عقلانیت به معنای تبعیت از قوانین بود، رویکرد جدید حقوق و اقتصاد رفتار خلاف قانون را، که بیشترین نفع را برای فرد داشته باشد، رفتار عقلایی می‌داند (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۷). در حقیقت، زمانی که فضای قانونگذاری مانند بازار است، قانونگذار نیز باید با اصول اقتصادی و بازاری آشنا باشد. قاضی براندایز در همین زمینه می‌گوید: «حقوقدانانی که مطالعات اقتصادی نداشته باشند کارایی کمتری دارند و اگر آن‌ها حقوقدانان مؤثری در جامعه خود باشند در این صورت (عدم آشنایی با برخی قواعد اقتصادی) می‌توانند لطمات زیادی به بخش عمومی و مردمی که نمایندگی آن‌ها را به عهده دارند وارد نمایند.» (دادگر، ۱۳۹۱: ۱۱). برای درک ادعای فوق مناسب است دو موضوع معیارها و کیفیت قانونگذاری خوب را بشناسیم و برخی از مفاهیم حوزه تحلیل اقتصادی را بیان کنیم. در ادامه به بررسی الگوهای حاکم بر این بازار می‌پردازیم.

۱-۱. عقلانیت

عقلانیت^۴ از مفاهیم اقتصادی است که ارتباط وثیقی با حوزه حقوق دارد. در علم اقتصاد، عقلانیت به عنوان پیش‌فرضی اساسی برای تفسیر رفتار عاملان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. عقلانیت در اینجا به معنای عملی در جهت خرد تعریف می‌شود. در نظریات اقتصادی، عقلانیت نشان‌دهنده رفتار عقلایی انسان اقتصادی است که برای حداکثر کردن منافع مادی فردی خود در تلاش است. در حوزه اقتصاد، عقلانیت اقتصادی ریشه در تفکرات دکارت^۵ دارد که انسان را موجودی عقلانی و دانا و حسابگر می‌دانست. این دیدگاه با نظریه لذت و درد بنتام^۶ (۱۷۸۹) ترکیب شد و به این نتیجه رسید که انسان عقلانی و حسابگر تلاش می‌کند تا لذت خود را به حداکثر و درد خود را به حداقل برساند (بلام و ایزلی، ۲۰۰۷؛ نعیمی، ۱۳۹۸: ۷۷). جان استوارت میل^۷ این مفهوم را به صورت «من عقلایی» خلاصه کرد و پایه اولیه عقلانیت اقتصادی را بنا نهاد. عقلانیت اقتصادی به شکل امروزی توسط مکتب نهایی‌گراها و پس از آن توسط نئوکلاسیک‌ها در دهه ۱۹۳۰ تکامل یافت. در این نظریه، نفع شخصی به عنوان محرک اصلی فعالیت‌های اقتصادی مطرح و عقلانیت به معنای جست‌وجوی این نفع شخصی تعریف می‌شود (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۹ - ۳۱).

با گسترش مفهوم تحلیل اقتصادی، حداکثر کردن سود نه فقط در فعالیت‌های اقتصادی بلکه در همه رفتارهای بشر مورد مطالعه قرار گرفت. انسان عقلانی همواره و در همه تصمیمات در پی کسب بیشترین منفعت است. انسان می‌تواند در جایگاه قانونگذار قرار گیرد و همان‌طور که در مبحث انتخاب عمومی گفته می‌شود به دنبال منافع شخصی از وضع قوانین باشد یا می‌تواند در جایگاه مردم و مشمولان قانون قرار بگیرد. از آنجا که عقلانیت در یک تعریف کلی تناسب ابزارها با اهداف است (Bice, 1980: 7) می‌توان گفت اهداف نظام قانونگذاری تحقق برنامه‌های توسعه و قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است. اما از آنجا که این اهداف به طور کامل محقق نشده است باید گفت هدف قانونگذار چیزی غیر از تحقق اهداف نظام قانونگذاری بوده است. در اینجا است که مفهوم عقلانیت فردی به میان می‌آید. عقلانیت فردی به معنی پیگیری منافع و اهداف شخصی به جای منافع عمومی است. به طور کلی می‌توان دو نوع رفتار را در قانونگذار به عنوان پیش‌فرض در نظر گرفت؛ یک نگاه این است که قانونگذار مبتنی بر عقلانیت جمعی و مصلحت عمومی اقدام می‌کند و نگاه دیگر قوه مقننه را به صورت یک «عرضه بازارمانند» می‌بیند که در آن افراد و گروه‌های ذی‌نفع برای پیشبرد منافع خصوصی خود مذاکره می‌کنند. هیچ «منافع عمومی» فراگیری وجود ندارد، بلکه تنها مصالحه‌هایی بین کسانی که از قانون‌گذاری سود می‌برند و کسانی که از آن آسیب می‌بینند اتفاق می‌افتد. این نگرش عملکرد کنونی قانونگذار را بهتر توجیه می‌کند (Bice, 1980: 17-18). با توجه به اینکه رفتار عقلایی به‌رغم انتقادات و کاستی‌های موجود در آن همچنان نزدیک‌ترین فرض به رفتار بشر است (یادی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۲) می‌توان دو استفاده از آن داشت؛ یکی در تحلیل رفتار قانونگذار و دیگری در تحلیل رفتار مشمولان قانون. در قاعده‌گذاری برای رفتار قانونگذار اتکا به این فرض می‌تواند نگرش انتقادی را امکان‌پذیر سازد. در این نگرش قانونگذاران لزوماً در حال پیگیری منافع عمومی نیستند (Bice, 1980: 20-21) و به دنبال خیر جمعی مطلق نیستند و در نتیجه اعطای اختیار مطلق انتخاب موضوع قانونگذاری-موضوع اصل ۷۱ قانون اساسی- به ایشان می‌تواند به مصالح عمومی خدشه وارد کند. بنابراین ضروری است چارچوب‌هایی برای پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت در نظر گرفت. همچنین توجه به این نکته که در اقتصاد رفتاری به‌خوبی روی آن تأکید شده مهم است که انسان‌ها به‌رغم تمایل به پی‌جویی نفع شخصی، به علت

محدودیت‌هایی که در درک و دریافت خود از مسائل دارند، لزوماً همیشه تصمیمات به‌صرفه نمی‌گیرند. به همین دلیل عبارت «عقلانیت محدود» پدید آمد (Nocetti, 2008: 319-339). بنابراین، علاوه بر اینکه باید محدودیت‌هایی در پی‌جویی منافع شخصی توسط قانونگذار در نظر گرفت، باید معیارهایی دقیق که بهترین شکل آن در تحلیل اقتصادی یافت می‌شود، از جمله هزینه-فایده، را برای بررسی عینی عقلانیت تصمیمات در نظر گرفت. در واقع پیش‌بینی انحرافات در تصمیم‌گیری‌ها به بهترین شکل آن در مطالعه اقتصاد رفتاری قابل مشاهده است (Dellis, 2021: 26).

از سوی دیگر تصویر رفتار عقلانی انسان‌ها امکان پیش‌بینی رفتار مردم در قبال قوانین را میسر می‌کند. از آنجا که مشمولان نیز رفتار عقلایی دارند، قانون باید به نحوی صورت‌بندی شود که صرفه رعایت قانون برای ایشان بیش از مزایای سرپیچی از قانون باشد. از آنجا که یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتار عقلانی انتخاب موثرترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر در دسترسی به اهداف است (Rawls, 2017: 14) می‌توان از این مؤلفه در تنظیم قانون استفاده کرد. در خصوص موضوع قانون، در یک جمع‌بندی مختصر، می‌توان گفت انتخاب موضوع باید قاعده‌مند و مبتنی بر اولویت‌های تعیین‌شده در برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت، سیاست‌های کلی نظام، و با برنامه‌ریزی زمانمند در ابتدای دوره قانونگذاری یا سالیانه باشد و هر گونه تقنین خارج از برنامه به شکل استثنایی و با پیوست تحلیل اقتصادی و توجیه ضرورت ارائه شود تا از پی‌جویی نفع شخصی جلوگیری به عمل آید. علاوه بر این، همان‌طور که به محدودیت‌های عقلانیت در انتخاب‌های نمایندگان اشاره شد در اینجا نیز مشمولان قوانین و مردم نیز از همین مشکل رنج می‌برند. بنابراین قانون باید با در نظر داشتن این مسئله در جهت پر کردن خلأ عقلانیت به کار رود. در حقیقت قانون مهم‌ترین ابزار جهت مهندسی رفتار شهروندان به نحوی است که بیشترین منافع را تأمین کند؛ به این شرط که به‌موقع و به‌درستی تنظیم شده باشد (Dellis, 2021: 55).

۲-۱. کارآمدی

کارآمدی با تمرکز بر کمیابی منابع بالفعل و نامحدود بودن نیازهای بشری به دنبال حداقل کردن هزینه است (نعیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). در واقع منظور از کارآمدی دستیابی به اهداف برنامه‌ها با کمترین هزینه است. در قانونگذاری نیز این مفهوم معادل صرف کمترین هزینه برای دستیابی

به اهداف قانونی است. وضع قانون، طراحی نظام حقوقی، الزام و استحکام و حفاظت و اجرای قانون از اموری هستند که مستلزم صرف منابع هستند (دادگر، ۱۳۹۱: ۱۵). عموم مردم نیز برای تبعیت از مقررات متحمل هزینه می‌شوند (کرکپاتریک، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

همان‌گونه که عقلانیت به دنبال هدایت منابع در مسیرهایی است که منجر به خلق بیشترین ارزش است کارآمدی با تحلیل‌های هزینه-فایده و هزینه-فرصت به قانونگذار کمک می‌کند منابع و اهداف را حسابگرانه بررسی و آن‌ها را اولویت‌بندی کند. سپس اقدام به انتخاب میان آن‌ها کند و با استفاده از نظرات کارشناسی و نظارت و بازبینی چندین باره بهترین شیوه برای تحقق اهداف انتخابی را به کار گیرد (دادگر، ۱۳۹۱: ۱۷). یکی از پیش‌نیازهای اصلی در قانونگذاری کارآمد بهره‌مندی از اطلاعات قبل از اتخاذ تصمیم است. اطلاعات به سبب نقش مهمی که در درک صحیح از درستی یا نادرستی یک تصمیم دارد هنگام انتخاب قانونگذار نقش کلیدی ایفا می‌کند (Dellis, 2021: 24). در واقع حتی زمانی که قانونگذار حقیقتاً قصد پیگیری منافع عمومی را دارد، در صورتی که با اطلاعات غلط تصمیم به قانونگذاری در یک موضوع خاص بگیرد، درحالی‌که مثلاً آن موضوع دارای اولویت نیست یا مشمولان به دلیل شرایطی نسبت به قانونگذاری در یک موضوع خاص حساسیت منفی پیدا کرده‌اند، اقدام قانونگذار نه تنها به نفع مردم نخواهد بود بلکه اعتماد عمومی به این نهاد را نیز خدشه‌دار خواهد کرد. همچنین در برخی موضوعات وضع قوانین و ایجاد نظام حقوقی قابلیت ایجاد مطلوبیت اجتماعی ندارد (استیون، ۱۳۸۸: ۶۴). بنابراین، ضروری است نظرات کارشناسی که در پیوست تحلیل اقتصادی پیشنهاد قانونی آورده می‌شود مستند و مستدل و مبتنی بر داده‌های جامع و کامل باشد.

کارآمدی در انتخاب موضوعات قانونگذاری با در نظر گرفتن اثرگذاری قوانین پیشنهادی نیز ارتباط نزدیک دارد. یک قانون حتی با هزینه کم، اگر اثرگذاری کمی در حل مشکل یا بهبود وضعیت موجود داشته باشد، از نظر کارآمدی مناسب نیست. بنابراین، ارزیابی تأثیرگذاری قانون بر جامعه، از لحاظ کمی و کیفی، ضروری است. این ارزیابی باید بر اساس شواهد تجربی و مدل‌های پیش‌بینی صورت گیرد و عوامل مختلف مانند قابلیت اجرا، پذیرش اجتماعی، و تأثیر بر گروه‌های مختلف جامعه را در نظر بگیرد. استفاده از روش‌های تحلیل اقتصادی و ارزیابی برنامه‌ها می‌تواند در افزایش کارآمدی این مرحله از فرایند قانونگذاری مؤثر

باشد. به طور کلی، انتخاب موضوعاتی که هم هزینه کمی دارند هم اثر بالایی بر بهبود وضعیت جامعه می‌گذارند نشان‌دهنده کارآمدی در قانونگذاری است.

۳-۱. بازار

علم اقتصاد با استفاده از مفاهیمی مانند عرضه و تقاضا، کشش، هزینه-فرصت، رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده، هزینه تولید، بهینه‌سازی سود و مطلوبیت، و ساختار بازارها سعی در پیش‌بینی و تبیین شرایط اقتصادی دارد. نظریه‌های اصلی اقتصاد مثل نظریه تقاضای مصرف‌کننده، نظریه تولید، و نظریه قیمت نیز بر این مفاهیم استوار هستند. اگر انتخاب موضوع دقیق و متناسب با نیازهای جامعه انجام نشود منتج به صرف منابع در محلی می‌شود که اگر بلااستفاده یا مضر به حال جامعه نباشد در حداقل حالت مجلس را از توجه به مسائل ضروری و حائز اهمیت غافل می‌کند (حق‌پناهان و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷). بنابراین باید هزینه‌های مصروفه برای قانونگذاری در یک موضوع قانون با فواید ناشی از آن متناسب باشد. عناصر مختلفی از جمله لایحه-محور یا طرح-محور بودن قوانین (عطار، ۱۳۹۶: ۲۲۴ - ۲۲۹)، نظام صحیح مدیریت ذی‌نفعان، و بهره‌گیری از پیوست تحلیل اقتصادی در پیشنهادها قانونی در این مرحله مؤثر است. استفاده از نظرات ذی‌نفعان در فرایند انتخاب موضوع قانون ضروری است. این امر در شناسایی نیازهای قانونگذاری اکثریت جامعه و پاسخگویی به‌موقع و مطلوب به آن مؤثر است. شناسایی و دسته‌بندی ذی‌نفعان هر حوزه به منظور نظام‌مند کردن فرایند اخذ نظر لازم است (کرکپاتریک، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در تحلیل اقتصادی قانونگذاری نظریه بازی^۹، عوامل خارجی^{۱۰}، و کالاهای عمومی^{۱۱} سه مفهوم کلیدی هستند که به درک چگونگی تأثیر قوانین و مقررات بر رفتار اقتصادی کمک می‌کنند. نظریه بازی تعاملات استراتژیک بین افراد و شرکت‌ها و دولت را بررسی می‌کند و به حقوق‌دانان کمک می‌کند تا تعادل‌های ممکن در این تعاملات را پیش‌بینی و مکانیسم‌های بهینه‌تر را برای قانونگذاری طراحی کنند (نعیمی، ۱۳۹۸: ۲۱۷). در این بازی نتیجه عمل هر بازیگر به اقدامات سایر بازیگران وابسته است. بررسی چگونگی رفتار افراد عقلانی، که به آن رفتار استراتژیک^{۱۱} نیز گفته می‌شود، در چنین موقعیت‌هایی قانون بحث نظریه بازی‌ها است (Baird, 1998: 9). استفاده از نظریه بازی در بحث حاضر دارای دو جنبه است؛ یکی چگونگی رفتار افراد در برابر تصمیمات قانونگذار که تعیین‌کننده میزان اثربخشی و کارآمدی

آن است و دیگری مربوط به نقش قوانین در تعاملات افراد با یکدیگر است. قانونگذار از یک جنبه خود بازیگر است و سایر بازیگران از جمله اشخاص حقیقی و حقوقی بازیگرانی هستند که در قبال اقدامات قانونگذار دست به اقدام عقلانی به تناسب شرایط می‌زنند. اما از سوی دیگر قانونگذار به سبب قدرتی که در ایجاد ساختارها و قواعد بازی دارد می‌تواند به مثابه تنظیم‌گر و بازی‌گردان عمل کند و نوع رفتار اشخاص را در جامعه مهندسی کند. بنابراین نهاد قانونگذار باید در هر دو نقش خود نظریه بازی را ملاک عمل قرار دهد و سعی در پیش‌بینی آثار داشته باشد تا بهترین انتخاب را در خصوص موضوعات قانونی انجام دهد.

یکی از موضوعات مهم در تصمیم قانونگذار به قانونگذاری توجه به بحث عوامل خارجی است. این موضوع به هزینه‌ها یا منافع جانبی ناشی از عمل اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی اشاره دارد. در برخی موارد عمل یک شخص آثاری بر دیگر اشخاص دارد که این اثر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. قانونگذار باید با در نظر گرفتن تعداد مشمولان اثر و میزان اثر تصمیم‌گیری به تشویق یا جلوگیری از اقدام عامل اصلی کند. چون این آثار برای خود شخص عامل تحمیل نمی‌شود که انگیزه‌ای برای پیشگیری داشته باشد؛ مثل آلودگی محیط زیست در اثر برخی فعالیت‌ها (استیون، ۱۳۸۸: ۷۰ و ۹۷-۹۸).

یکی دیگر از مفاهیم دارای اهمیت در تحلیل اقتصادی منافع حاشیه‌ای^{۱۲} است. مبتنی بر یک اصل اقتصادی افراد عقلایی همیشه به منافع حاشیه‌ای فکر می‌کنند و تصمیم‌گیری‌ها سیاه و سفید نیست (منکیو، ۱۳۹۱: ۷). ایجاد تغییرات حاشیه‌ای به معنای تعدیل در اطراف و حاشیه اقدامی است که انجام می‌دهیم. از مقایسه منافع حاشیه‌ای با هزینه‌های حاشیه‌ای می‌توان در مورد انتخاب‌های ممکن تصمیم‌گیری کرد. تصمیم عقلانی تصمیمی است که سود نهایی طبق محاسبه سود حاشیه‌ای از هزینه نهایی^{۱۳} طبق محاسبه هزینه حاشیه آن بیشتر باشد. قانونگذار با درک دقیق منافع حاشیه‌ای هر قانون پیشنهادی می‌تواند اولویت‌بندی بهتری انجام دهد. به عبارت دیگر، افزایش یا کاهش شدت یک سیاست جاری (مثلاً افزایش یا کاهش مالیات بر یک کالا) را می‌توان با محاسبه منافع حاشیه‌ای ناشی از این تغییرات ارزیابی کرد. اگر منافع حاشیه‌ای ناشی از افزایش شدت قانون (مثلاً افزایش مالیات برای کاهش آلودگی) بیشتر از هزینه‌های حاشیه‌ای آن باشد، تصمیم به افزایش شدت قانون از دیدگاه اقتصادی عقلانی است. این تحلیل موجب می‌شود منابع محدود قانونگذاری به موضوعاتی اختصاص یابند که حداکثر

سود اجتماعی را به ارمغان می‌آورند و از اتخاذ سیاست‌های با بازده نزولی جلوگیری شود. به طور خلاصه، به‌کارگیری مفهوم منافع حاشیه‌ای به بهینه‌سازی تصمیم‌گیری در انتخاب موضوعات قانونگذاری و افزایش کارایی آن کمک می‌کند.

دیگر مفهوم مورد استفاده در این مرحله کالای جایگزین^{۱۴} است. در مواردی که کالای جایگزین کمترین میزان تفاوت را با کالای اصلی داشته باشد اما به لحاظ قیمتی به‌صرفه باشد معمولاً انسان عقلایی به سمت کالای جایگزین می‌رود. مثلاً در صورتی که ضمانت اجرای یک قانون یا جریمه ناشی از آن برای مصرف‌کنندگان به‌صرفه باشد احتمال اینکه مشمولان تن به اجرای قانون ندهند بالا می‌رود. حال آنکه مشارکت مشمولان در اجرای قانون، که در سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری نیز با مضمون «ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ رعایت، تمکین، و احترام به قانون و تبدیل آن به یک مطالبه عمومی» به آن اشاره شده است، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در سنجش اثربخشی قوانین است.

استفاده از ابزارهای «ارزیابی تأثیرات قانون»^{۱۵} در مراحل پیشینی و پسینی از مهم‌ترین ابزارها در دستیابی به قانونی کارآمد است که در خلال آن نظرات مشمولان و ذی‌نفعان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. این کار پیش‌بینی رفتار مشمولان را تا حد زیادی امکان‌پذیر می‌سازد؛ امری که در فرانسه در ۱۹۹۸ توسط نخست‌وزیر این کشور مورد تأکید قرار گرفت و ارائه گزارش آن به مجلس الزامی شد (مرکز مالگیری، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. انتخاب موضوع شایسته قانونگذاری در پرتو تحلیل اقتصادی

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، انتخاب موضوع قانون در قالب ابتکار قانونی از طریق طرح‌های قانونی ارائه‌شده توسط نمایندگان مجلس، لوایح هیئت وزیران و رئیس قوه قضاییه، و پیشنهادها شورای عالی استان‌ها صورت می‌گیرد. گرچه انتخاب موضوع قانونگذاری در دست دارندگان این صلاحیت است، تعیین اولویت و ضرورت رسیدگی به پیشنهاد قانون در فرایند بررسی قابل تغییر است. هیئت‌رئیس مجلس با تهیه دستور هفتگی ترتیب بررسی طرح‌ها و لوایح را تعیین می‌کند و نمایندگان از طریق مکانیسم‌های مختلف می‌توانند بر این دستورها تأثیر بگذارند.

تحلیل اقتصادی موضوع قانون از دو جهت می‌تواند مهم باشد؛ یکی از جهت موضوعاتی که مورد تقنین قرار می‌گیرند و دوم اولویت‌بندی رسیدگی به آن‌ها. در واقع می‌توان گفت در

مرحله اول قانونگذار باید تحقیقات بازار کافی در خصوص مشتریان احتمالی قانون و تمایلات ایشان را داشته باشد و به نوعی بازاریابی انجام دهد. در مطالعات بازار اولین سؤال این است که نقطه رنج^{۱۶} در حال حاضر چیست؟ محصولی در میان مشتریان با استقبال مواجه می‌شود و به اصطلاح خریدار دارد که رنجی را کاهش دهد. بنابراین، در بازار قانون نیز قانونگذار در هنگام انتخاب موضوع باید به چند سؤال پاسخ دهد. اول اینکه موضوع پیشنهادی چه رنجی را هدف گرفته است؟ آیا موضوع انتخابی نیازمند قانونگذاری است یا از طریق شیوه‌های دیگر از جمله نهادهای فراتنظیمی یا ارتباطات عرفی جامعه و قوانین بازار قابل حل است؟ از طرفی باید پاسخ دهد که آیا آیین‌نامه یا دستورالعمل یا دستورهای موردی حل‌کننده نیازند یا موضوع میزان لازم از کلیت و عام‌الشمولی و دائمی بودن را دارد که قانون برای آن ضروری باشد؟ پس از پاسخ به این پرسش، قانونگذار باید پاسخ دهد که آیا محتوای قانون پیشنهادی از طریق قوانین موجود یا اصلاح در آن‌ها قابل پاسخگویی نیست؟ آیا نیاز جمع‌کثیری از افراد جامعه است یا گروه محدود؟ (جهانگیری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۹). در صورت نبود این قانون چه ایراداتی متوجه نظام حکمرانی یا زندگی مردم خواهد شد؟ پس از تعیین ضرورت موضوع پیشنهادی، قانونگذار باید درجه اولویت موضوع را مشخص کند. در اینجا باید به این سؤال پاسخ دهد که پاسخگویی به رنج موجود به چه میزان فوریت دارد؟ در صورت تعویق رسیدگی به موضوع جامعه چه خطرات یا آسیب‌هایی را متحمل خواهد شد؟ آیا جامعه در زمان ارائه پیشنهاد قانونی توان و آمادگی پذیرش آن قانون را دارد؟ چه میزان از آمادگی و همراهی در میان مردم و کارگزاران برای اجرای آن قانون وجود دارد؟ و سؤالات دیگری از این دست که مشخص‌کننده ضرورت، فوریت، و اولویت موضوع بر سایر وظایف مجلس است باید در این مرحله پاسخ داده شود تا موضوع پیشنهادی به مثابه یک موضوع قانون اثربخش شناخته شود (زانتاکی، ۱۴۰۰: ۶۵). در این زمینه از ابزارهای مختلف اقتصاد می‌توان بهره گرفت.



۱-۲. عرضه و تقاضا

یکی از مفاهیمی که در انتخاب موضوع قانونگذاری باید مورد استفاده قرار بگیرد مفهوم عرضه و تقاضا است. در بازار قانونگذاری، قانون به مثابه کالای عرضه سیاست است که توسط قانونگذار عرضه می‌شود. قانونگذار پیش از عرضه یک قانون به مانند یک تولیدکننده در بازار باید میزان تقاضای موجود را بسنجد. در عرضه حقوق عموماً برنده و بازنده وجود دارد. مسلماً بازندگان هر قانون مشتریان آن قانون نیستند. بنابراین قانونگذار در هنگام تصمیم‌گیری برای تصویب یک قانون باید بداند که چه میزان از جامعه هدف برندگان این قانون هستند که به مثابه مشتریان بالقوه آن به حساب می‌آیند. اگر تعداد بازندگان قانون از برندگان آن کمتر باشد احتمال شکست قانون بالا است.

از طرفی در اقتصاد هر چه قیمت بالا رود میزان تقاضا برای کالا کاهش می‌یابد. قیمت یک کالا نیز مبتنی بر قیمت تمام‌شده آن به علاوه سود است. بنابراین تولیدکننده قانون باید هنگام تعیین موضوع قانون میزان هزینه صرف‌شده برای قانون را بسنجد و مبتنی بر آن قیمت قانون را تعیین کند. از آنجا که با افزایش قیمت تقاضا کاهش می‌یابد قانونی که هزینه بالایی در فرایند تولید داشته باشد یا اجرای آن برای مشمولان قانون مستلزم صرف هزینه باشد متقاضی زیادی نخواهد داشت (منکیو، ۱۳۹۱: ۶۰).

۲-۲. هزینه - فرصت و هزینه- فایده

همان‌طور که گفته شد منابع محدود و خواسته‌های بشر فراوان و نامحدود است (یادی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۵). پیشنهاددهندگان قانون باید با ارزیابی هزینه‌ها و منافع موضوع پیشنهادی، با تبیین

دقیق هزینه فرصتی که وضع این قانون صرف خواهد کرد و بررسی ارزش گزینه‌های جایگزین برای قانونگذار، که می‌تواند رسیدگی به قانون دیگر یا انجام دادن وظایف نظارتی یا حتی عدم برگزاری جلسات قانونگذاری باشد، توجیه هزینه-فرصت آن قانون را به‌خوبی توضیح دهند.

در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۳ در مورد کشورهای هند، آرژانتین، و برخی ایالات امریکا انجام شد مشخص شد وضع قانون یا عدم وضع قانون در موضوعات مختلف از الگوی خاصی تبعیت نمی‌کند؛ چیزی که در قانونگذاری در ایران نیز شاهد آن هستیم و امکان ترسیم مدلی که در آن قانونگذار بر اساس یک الگوی خاص اقدام به انتخاب موضوع قانون کرده باشد امکان‌پذیر نیست. بنابراین باید برای بهینه‌سازی تصمیم‌گیری در مورد انتخاب موضوع قواعدی را ایجاد کرد که از تصمیمات سلیقه‌ای تا حد امکان پیشگیری شود. بنابراین باید معیارها و اهداف تقنین تعیین شود و با وزندهی به اهداف مختلف میزان دستیابی هر موضوع قانونی به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده ارزیابی و مشخص شود. برای این منظور نظام تقنین چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری برای تأمین داده‌های بنیادین ندارد. چون این داده‌ها هستند که تعیین‌کننده وزن و درجه اهمیت هر موضوع هستند. انجام دادن این وزندهی‌ها و تعیین فرمول‌های محاسباتی جز با همکاری ریاضی‌دانان امکان‌پذیر نیست. در صورت انجام دادن این محاسبات و تصمیم‌گیری مبتنی بر آن می‌توان به جمع سه درصد قانونگذاران کارآمد جهان پیوست (Kohler, 2023: 2).

از آنجا که ارزیابی اثر یک قانون پیش از وضع آن امری دشوار است، پیشنهاددهندگان قانون به جای ارائه یک پیش‌بینی می‌توانند چند سناریو را ترسیم کنند که نشان دهد در صورت بروز شرایط مختلف اثر وضع هر قانون چگونه خواهد بود. در این صورت می‌توان بهترین و بدترین شرایط مورد انتظار را سنجید. در فرایند این سناریوسازی باید به مفهوم اثر جانبی یا حاشیه‌ای نیز توجه داشت. این اثرها با نام هزینه‌های اجتماعی یا «هزینه‌های خارجی»^{۱۷} شناخته می‌شوند. این هزینه‌ها آثار غیر مستقیم قوانین هستند که بر افراد، جوامع، یا محیط زیست تأثیر می‌گذارند. اما در محاسبات مالی به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند.

علاوه بر این باید بعد زمانی متفاوتی را نیز برای آثار قانون تعیین کرد. مثلاً باید مشخص کرد که یک قانون به محض اجرایی شدن چه اثری می‌گذارد؟ بعد از شش ماه از اجرا چه آثاری خواهد داشت؟ و در بلندمدت آثار آن چیست؟ همچنین باید مشخص شود هزینه اجرای قانون در بلندمدت چه تغییراتی خواهد کرد و هر ساله چه میزان از بودجه صرف اجرای آن

قانون خواهد شد؟ علاوه بر این از نظر اثر بر گروه‌های ذی‌نفع و سایر مشمولان نیز به تفکیک باید مورد بررسی قرار بگیرد؛ مثل اینکه قانون برای اشخاص ثالث چه اثری خواهد داشت؟ بنا بر موارد یادشده اولین گام در انتخاب موضوع قانونگذاری توجیه ضرورت آن است. در گام بعد باید تجزیه و تحلیل هزینه-فایده قانون صورت بگیرد. این امر در درک و دریافت از منافع و هزینه‌های بالقوه پرداختن به موضوعات مختلف یاریگر قانونگذار است. برای این تحلیل، پیشنهاددهنده موضوع قانون باید منافع ناشی از تصویب قانون را شرح دهد. این منافع اعم است از منافع اقتصادی و مادی و معنوی که برای نسل حاضر و نسل آتی جامعه از طریق این قانون وضع می‌شود. قوانینی که به شکل مسکن در زمان تصویب مشکل را حل می‌کنند اما آسیب‌های جبران‌ناپذیر به نسل‌های آینده وارد می‌آورد قطعاً اثربخش نیستند. چون هدف نظام قانونگذاری رشد و اعتلای کشور است و این موضوع با هدف نظام دارای تناقض است.^{۱۸}

علاوه بر هزینه‌ها باید منافع و فواید ناشی از قانون به کمک اقتصاددانان استخراج شود. این منافع می‌تواند بالفعل یا بالقوه باشد. در ارزیابی هزینه‌ها و منافع باید اثر جانبی، ناشی از وضع قانون و شرایط احتمالی که ممکن است اجرای قانون را با اختلال مواجه کند، نیز در نظر گرفته شود. هزینه-فرصت در تعیین اولویت یا عدم اولویت موضوع نیز اثرگذار است. برای بررسی هزینه-فایده نباید تنها به هزینه-فایده یک پیشنهاد قانونی خاص پرداخت. چون این عمل فقط در حذف موارد کاملاً ناکارآمد مؤثر است. باید به صورت مقایسه در مقابل سایر گزینه‌ها آن را ارزیابی کرد تا بتواند به‌خوبی قانونگذار را راهنمایی کند.

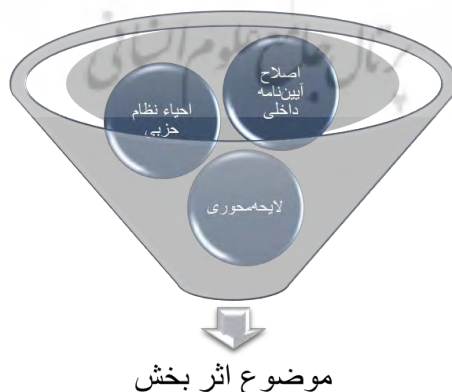
۲-۳. شکست بازار

بهره‌گیری از مفهوم شکست‌های بازار نیز در این مرحله دارای ارزش است. این مفهوم می‌تواند با شناسایی مناطقی که مداخله دولت برای بهبود کارایی لازم است (مثلاً، حفاظت از محیط زیست) یا شناخت موضوعی که دخالت دولت در آن از جمله از طریق وضع قانون کارایی کافی را ندارد معیار دقیقی در ورود یا عدم ورود مجلس به حوزه قانونگذاری مورد نظر ارائه کند. در واقع در قانونگذاری باید به کلیدواژه «تعادل» با دقت توجه شود. این عبارت بیانگر جایگاهی است که در آن عرضه و تقاضا به نقطه‌ای می‌رسند که تولیدکننده و مصرف‌کننده هر دو در شرایطی از سود و صرفه به سر می‌برند. نقطه تعادل در قانونگذاری جایی است که عرضه قانون به میزان متناسب انجام شده است و قوانین عرضه‌شده توسط

شهروندان به طور متناسب مورد استفاده و رعایت قرار می‌گیرند. برخی معتقدند که افزایش قوانین منجر به افزایش جرم می‌شود. بنابراین وجود قوانین مفصل و جزئی تضمین‌گر برقراری نظم در جامعه نیست (یادی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹). در عین حال قوانین کم نیز با توجه به تجربه شکست بازار و فقدان قدرت تنظیم‌گری کافی توسط بازار می‌تواند به آسیب دیدن قشر ضعیف و سوءاستفاده قدرتمندان منجر شود. بنابراین ضروری است با کمک اقتصاددانان و کارشناسان تحلیل اقتصادی نقطه تعادل قانونگذاری را یافت.

۳. راهکارهای انتخاب موضوع قانون اثربخش در پرتو تحلیل اقتصادی قانونگذاری

مطابق قانون اساسی، نمایندگان مجلس حق ارائه طرح در همه امور را دارند و دولت نیز اختیار ارائه لایحه را دارد. مانعی در خصوص انتخاب موضوع قانونگذاری بر سر راه دارندگان صلاحیت ارائه پیشنهادها قانونی از نظر موضوع وجود ندارد. هرچند پیشنهادها قانونی باید دارای مقدمه توجیهی باشد، این مقدمه تحلیل اقتصادی ضرورت و فوریت را دربر ندارد و معمولاً متنی صوری و فاقد وزن برای تعیین قابل بررسی بودن یا نبودن موضوع قانون است. در حقیقت در حال حاضر تصمیم‌گیری برای بررسی پیشنهادها قانون و حتی رأی دادن به آنها بیشتر صبغه سیاسی دارد تا فنی. اولویت‌بندی موضوعات مورد بررسی در مجلس نیز همین مشکل را دارد. هرچند نمایندگان مجلس، کمیسیون‌ها، و دولت در مواردی قدرت تغییر در دستور کار مجلس را دارند، همچنان فرایند تعیین اولویت کار مجلس امری است که نیازمند بررسی دقیق‌تر و اصلاحات عمده است.



۳-۱. اصلاح آیین‌نامه داخلی

به منظور دستیابی به نظام قانونگذاری کارآمد می‌توان از ابزارهای خودمحدودیتی، از جمله استفاده از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، جهت تنظیم بخشی به این اختیار استفاده کرد. به این ترتیب که در این فرایند اتکا بیشتر بر ارائه لایحه از سوی دولت باشد و موضوعاتی در اولویت بررسی قرار بگیرد که حداکثر بازدهی را در زمان تصویب فراهم کند (جهانگیری، ۱۴۰۳: ۷۷). قانون آیین‌نامه داخلی مجلس ظرفیت افزودن قیدهایی بیشتری به لوایح تنظیمی دولت دارد؛ به نحوی که دولت را مکلف کند علاوه بر «دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد در مقدمه لایحه» دلایل اولویت آن بر سایر موضوعات را نیز تعیین کند و پیوست‌های ارزیابی تأثیر در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و غیره را نیز داشته باشد. دولت نیز باید آیین‌نامه یا دستورالعمل دقیقی برای تنظیم لوایح داشته باشد (عطاری، ۱۳۹۶: ۲۲۹).

۳-۲. احیای نظام حزبی

به منظور درک فرایند انتخاب موضوع قانونگذاری به عنوان یک بازار، گروه‌های ذی‌نفع را شرکت‌های پیمانکاری تخصصی در نظر بگیرید. هر یک به گروهی از قانونگذاران برای حمایت از تولید برخی از محصولات مورد نظر «هزینه» می‌پردازند. قانونگذاران نیز با اطلاعات اندک و انگیزه ضعیف خدماتی را انجام می‌دهند. تقاضا شامل مواردی مانند درآمد متقاضیان و هزینه‌های فرصت «خرید» محصولات از دولت است؛ درحالی‌که «سایر متغیرها» در معادله عرضه شامل هزینه‌های تولید قانون است. در این معادله تعداد گروه‌های ذی‌نفع خواهان یک قانون به مثابه مشتری هستند که تمایل و توان ایشان در پرداخت هزینه قانون تعیین‌کننده عرضه، یعنی تولید قانون، است. قیمت‌ها در واقع قابل مشاهده نیستند (مثلاً رأی‌ها، کمک‌های تبلیغاتی، و سایر حمایت‌های سیاسی، شاید رشوه‌ها و غیره). در واقع می‌توان گفت قانون به مثابه یک کالا است که با قیمت معین عرضه می‌شود و این تقاضای خریداران و میزان قدرت و تمایل ایشان به پرداخت است که می‌تواند قیمت را به شرایط تعادلی برساند.

قانونگذار در معامله با گروه‌های ذی‌نفع اقدام به انتخاب موضوع قانونگذاری و اولویت‌بندی جلسات می‌کند و همین امر موجب می‌شود ذی‌نفعان به منظور ایجاد توان خرید اقدام به برقراری ارتباط با یک‌دیگر و شکل دادن به گروه‌های فشار یا احزاب کنند تا از این طریق بتوانند در معامله با قانونگذار قدرت چانه‌زنی داشته باشند. به همین دلیل گروه‌های

ضعیف‌تر اقدام به ائتلاف با گروه‌های پرقدرت می‌کنند (Benson et al., 1988: 734). راهکاری که برای کارآمدی نظام تعیین موضوع مبتنی بر تحلیل فوق به نظر می‌رسد احیای احزاب در ایران است. در کشورهای دارای نظام حزبی انتخاب نمایندگان از طریق احزاب و با برنامه‌های ازپیش‌تعیین‌شده صورت می‌گیرد و بنابراین با انتخاب هر مجلس می‌توان تا حدودی رویکرد آن را پیش‌بینی کرد. احزاب با تشکیل دادن گروه‌های فشار سازمان‌یافته، که دارای برنامه‌ها و اهداف مشخص هستند، از بیراهه رفتن نظام قانونگذاری پیشگیری می‌کنند. ضعف نظام حزبی یا شاید بتوان گفت فقدان آن در نظام حقوقی ایران شاید پاشنه آشیل پراکندگی قانونگذاری در ایران است. احزاب در ایران ناپایدار و موقتی هستند و همین امر منجر به متفی شدن انتخابات حزبی و مذاکرات درون‌حزبی و برون‌حزبی برای مواردی، از جمله قانونگذاری، می‌شود که لایحه‌محوری را نیز با چالش مواجه کرده است (عطاری، ۱۳۹۶: ۲۲۵ - ۲۲۶).

احیای نظام حزبی با جذب اعضا از میان اقلیت‌ها می‌تواند علاوه بر احیای حقوق ایشان و جلب مشارکت آن‌ها با انگیزه اعمال فشار به قانونگذار برای انتخاب موضوعات مورد اهمیت برای ایشان منجر به ایجاد حس تعلق و جلب اعتماد اقلیت‌ها برای حاکمیت شود (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۸: ۵۸).

۳-۳. لایحه‌محوری

به لحاظ تحلیل هزینه-فایده باید گفت لوایح دولت معمولاً مشتمل بر مسائل ضروری‌ای است که دولت برای انجام دادن آن نیازمند قانون است. بنابراین قانونی که مبتنی بر لایحه تصویب می‌شود عموماً به اجرا نزدیک‌تر است و به لحاظ مشارکت فعال دولت در تعیین موضوع آن با کمترین مقاومت از سوی دولت برای اجرا مواجه می‌شود. بنابراین به لحاظ هزینه-فایده کم‌هزینه‌تر و ثمربخش‌تر است. نکته‌ای که پیش از ورود به مبحث لایحه‌محوری باید به آن توجه داشت این است که در مواردی به جهت ورود و بهره‌مندی حوزه‌های مختلف ذیل قوه مجریه و نبود مانع قانونی برخی مسائل از طریق مقررات در داخل بدنه قوه مجریه قابلیت تصویب دارد. بنابراین مجلس باید در قدم اول فقط بر حوزه مواردی که ضرورت تصویب قانون وجود دارد تمرکز کند و با نگاه حداقلی قانونگذاری کند. در برخی پارلمان‌ها ارائه پیشنهاد تقنینی در برخی حوزه‌ها در صلاحیت انحصاری قوه مجریه است. در ایران می‌توان به بودجه اشاره کرد. در برخی کشورها پارلمان چارچوب اصلی اصلاحات را مشخص

می‌کند و اختیار تصویب برخی قوانین جزئی در چارچوب اعلامی به وزارتخانه‌ها داده می‌شود. به این امر «قانون اعطای صلاحیت»^{۱۹} و به قانون مستخرج از آن «قانونگذاری تفویضی»^{۲۰}، «قانونگذاری ثانویه»^{۲۱}، «قانونگذاری در دور سوم»^{۲۲}، «اعلامیه»^{۲۳}، یا «حکم»^{۲۴} هم گفته می‌شود (عطار، ۱۳۹۶: ۲۱۷).

به طور کلی استانداردهای بین‌المللی و تجربیات کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ابتکار قانون‌گذاری باید از طریق قوه مجریه، به‌ویژه از سوی دولت، ارائه شود. زیرا این رویه به بهبود کیفیت قانون‌گذاری و تأثیرگذاری مثبت در عمل می‌انجامد. از سوی دیگر، معکوس شدن این مرتبه و اولویت ابتکار قانون‌گذاری از سوی نمایندگان مجلس می‌تواند مشکلات جدی برای تدوین قوانین و اجرای آن‌ها ایجاد کند.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد از آغاز دوره مجلس نهم تا یازدهم^{۲۵} به میزان قابل توجهی تعداد طرح‌ها بر لوایح تقدیمی از سوی دولت پیشی گرفتند (جهانگیری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۹۰)؛ درحالی‌که مجلس باید به بررسی دقیق و کارشناسانه لوایح دولتی معطوف شود. از این رو، ضروری است که ابتکار قانون‌گذاری از سوی دولت بر ارائه لوایح تمرکز داشته باشد نه بر ارائه طرح‌ها از سوی نمایندگان. چون «مجلس جایی برای تهیه پیش‌نویس نیست» (جان استوارت میل به نقل از کوئن‌جی، ۱۳۹۰: ۱۰). هرچند لایحه‌محوری نیز دارای ایراداتی است، از جمله توان دولت در خنثی کردن سیاست‌های مجلس یا مقابله با توان نظارتی پارلمان، مجموعاً می‌توان مزایا را بیش از معایب دانست (مکارم و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۱). مؤلفه‌هایی از جمله قوت / ضعف نظام حزبی، وجود / فقدان اختیارات ویژه قانونی برای قوه مجریه، و قوت / ضعف کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و نهادهای مدنی-تجاری نیز در لایحه‌محور یا طرح‌محور بودن یک مجلس موثر است.

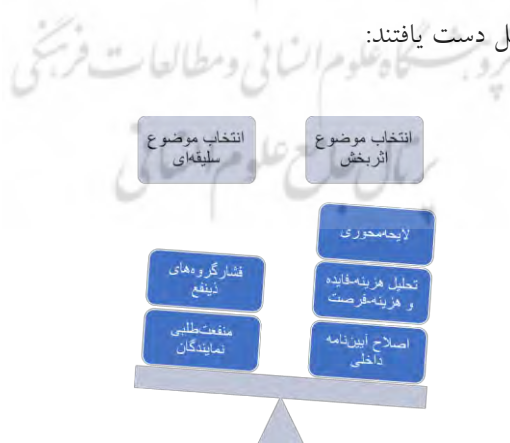
در فرایند تقنینی بسیاری از کشورها، مردم عادی طی برخی چارچوب‌ها امکان ارائه پیشنهاد قانونی به مجلس را دارند (حبیب‌نژاد و خوئینی، ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۴۸)؛ از جمله در کشور انگلستان. در کشور آلمان نیز برای دریافت نظر گروه‌های ذی‌نفع راه‌های مختلفی پیش‌بینی شده است. در وزارتخانه‌های مربوط به پیشنهادها قانونی اقدام به اخذ نظر از گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. در داخل کمیته‌های مشورتی علمی، کمیسیون‌ها، و کمیته‌های

تخصصی پارلمان تعداد شش‌هزار کارشناس در خصوص قوانین پیشنهادی امکان اظهار نظر دارند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۹ و ۲۴۴).

نتیجه و پیشنهاد

با ترکیب بینش‌های اقتصادی در تحلیل حقوقی می‌توان آن قواعد را به صورت جامع‌تر بررسی کرد و تصمیم‌گیری را مبتنی بر شواهد و مبانی علمی انجام داد تا منجر به قوانینی شود که برای دستیابی به اهداف اجتماعی مطلوب طراحی شوند. استفاده از تحلیل اقتصادی در فرایند قانون‌گذاری می‌تواند منجر به قوانین مؤثرتر و سنجیده‌تر شود. با به‌کارگیری این ابزارها می‌توان فراتر از وضع قوانینی که خواسته‌های فوری سیاسی را برآورده می‌کنند بر تدوین قوانینی تمرکز کرد که رفاه اجتماعی را به حداکثر می‌رسانند، منابع را به طور کارآمد تخصیص می‌دهند، و پیامدهای ناخواسته را به حداقل می‌رسانند. نویسندگان به دنبال دستیابی به قانون اثربخش به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه تحلیل اقتصادی می‌تواند در مراحل مختلف فرایند قانون‌گذاری، از انتخاب اولیه موضوع قانون‌گذاری تا تدوین نهایی و اجرای قانون، با استفاده از ابزارهای اقتصادی، به قانونی اثربخش منتج شود. در مقاله حاضر بر مبحث انتخاب موضوع قانون توجه شده است. هدف این مقاله نشان دادن اهمیت قانونگذاری از دریچه تحلیل اقتصادی است که به نتیجه منطقی‌تر و عادلانه‌تری منجر می‌شود.

نگارندگان با ارزیابی ابزارهای اقتصادی و بررسی نحوه کاربرد آن‌ها در انتخاب موضوع به یافته‌ها و راهکارهای ذیل دست یافتند:



در سیستم‌های قانونگذاری منظم و کارآمد، طرح‌های قانون اغلب از سوی دولت‌ها پیشنهاد می‌شوند. دولت‌ها در انتخاب موضوعات برای قانونگذاری منافع و هزینه‌های مختلف را با دقت بررسی می‌کنند و در نهایت موضوعی را انتخاب می‌کنند که به لحاظ اثربخشی و هزینه بهترین نتیجه را در زمان نیاز به آن قانون داشته باشد. با توجه به اهمیت تحلیل اقتصادی در این فرایند و با توجه به اینکه در بند ۴ ماده ۵ شیوه‌نامه نگارش طرح‌ها و لوایح به لزوم وجود پیوست اقتصادی اشاره شده است، پیشنهاد می‌شود پیوست «تحلیل اقتصادی» به عنوان یکی از پیوست‌های ضروری طرح‌های قانونگذاری به شیوه‌نامه نگارش طرح‌ها و لوایح اضافه شود.

با وجود اشاره به پیوست توجیه اقتصادی در آیین‌نامه‌های داخلی، فقدان مباحث علمی جامع در این زمینه، عدم آگاهی کافی کارشناسان و نمایندگان مجلس از مفهوم تحلیل اقتصادی، و نبود اقتصاددانان متخصص در معاونت قوانین مجلس لزوم مشاوره با متخصصان حقوق و اقتصاد را در بررسی متون قانونی توسط معاونت قوانین مجلس به وضوح نشان می‌دهد.

برای تعیین اولویت موضوعات قانونی، در ابتدای هر دوره قانونگذاری، تحلیل اقتصادی پیشنهادهای قانونی دوره قبل ضروری است. با توجه به نقش کلیدی مجلس در تعیین مسیر عملکردی حاکمیت از طریق قوانین تعیین صلاحیت تقنینی مجلس برای سال یا دوره پیش رو در ابتدای هر دوره قانونگذاری و اولویت‌بندی موضوعات تعیین‌شده بر اساس تحلیل اقتصادی بسیار حائز اهمیت است.

مرکز پژوهش‌های مجلس با تهیه لیستی از نظام اولویت‌های مجلس قانونگذاری اقدامی در این جهت انجام می‌دهد. اما نبود تحلیل اقتصادی در این لیست و عدم تعهد مجلس به رعایت آن موجب عدم اثربخشی آن شده است. بنابراین، توسعه ضمانت اجرای مناسب و تعیین اولویت بر اساس تحلیل اقتصادی، از طریق تقویت این لیست، مورد نیاز است.

یادداشت‌ها

۱. اعم از رفتارهای مالی و غیر مالی که در کشورهای مختلف به شیوه‌های متفاوتی بر آن نظارت می‌شود. (جهت مطالعه بیشتر ← موسوی، ۱۴۰۰)
۲. نمایندگان مجلس باید از وضعیت حقوقی و آثار آرای که در مجلس می‌دهند آگاه باشند. حتی رأی ممتنع ایشان در مجلس دارای بار حقوقی است. (برای مطالعه بیشتر ← قائمی‌خرق، س. م. و درخشان، د. (۲۰۲۴). ابعاد فقهی و حقوقی «رأی ممتنع» در مجلس شورای اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۱۳(۱)، ۱۵۳ - ۱۸۴)
3. monopoly
۴. منظور از عقلانیت در این مقاله نه عقلانیت ابزاری منظور نظر ارتدکس‌های کلاسیک بلکه عقلانیت محدود است.
5. René Descartes, 1596.
6. Jeremy Bentham, 1748.
7. John Stuart Mill, 1873.
8. game theory
9. external factors
10. public good
11. strategic behavior
12. marginal profit
13. final costs
14. substitute good
15. regulatory impact assessment (RIA)
۱۶. Pain Points: نقاط درد مشتری مشکلاتی هستند که مشتریان در حال حاضر از آن رنج می‌برند و شروع‌کننده یک کسب‌وکار برای توفیق بیشتر باید اول آن نقاط را بیابد و راه‌حلی برای رفع آن ارائه دهد تا این راه‌حل بیشترین تمایل را از سوی مشتریان برانگیزد. عموماً درد است که برای خرید ایجاد انگیزه می‌کند.
17. Externalities
۱۸. سیاست‌های کلی نظام محلی برای تعیین اهدافی است که باید در کشور دنبال شود. بنابراین نظارت بر انطباق مصوبات با آن دارای اهمیت است. (جهت مطالعه بیشتر ← طحان‌نظیف، ه. و بهرامی حسن‌آبادی، م. (۱۴۰۳). شاخص‌های انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی با نگاهی به نظرات هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام. دانش حقوق عمومی، ۱۳(۱)، ۲۷ - ۵۲)
19. empowering act
20. delegated legislation
21. secondary legislation
22. tertiary legislation
23. proclamation
24. warrant
۲۵. دوره نهم ۴۸۱ طرح در برابر ۲۱۶ لایحه، دوره دهم ۵۰۵ طرح در برابر ۲۲۸ لایحه، دوره یازدهم ۶۷۵ طرح در برابر ۲۰۸ لایحه.

منابع

کتاب

- استیون، ش. (۱۳۸۸). *مبانی تحلیل اقتصادی حقوق*. مترجم: محسن اسماعیلی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حبیب‌نژاد، س. (۱۳۹۸). *شرحی بر حقوق احزاب*. تهران: خرسندی.
- کونن‌جی، م. (۱۳۹۰). *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری* (ارتقای کارآمدی رویه‌های تقنینی پارلمان). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نعیمی، س. (۱۳۹۸). *درآمدی به رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق*. تهران: میزان.
- یادی‌پور، م. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مقالات

- بابایی، ا. (۱۳۸۶). مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق. *حقوق و سیاست*، ۹ (۲۳) (ویژه حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق)، ۱۳ - ۶۰.
- جهانگیری، ا. م.، حبیب‌نژاد، س. ا.، و هداوند، م. (۱۴۰۳). نقش و جایگاه تنقیح در پیش‌نویس‌نگاری تقنینی. *دانش حقوق عمومی*، ۱۳ (۱)، ۱۸۵ - ۲۰۷.
- حبیب‌نژاد و عامری، ز. و. س. (۱۳۹۹). قانون‌نویسی در نظام تقنینی ایران در پرتو مدل‌های پیش‌نویس‌نگاری تقنینی. *مجلس و راهبرد*، ۲۷ (۱۰۲)، ۲۴۱ - ۲۶۵.
- حبیب‌نژاد، س. ا.، و خوئینی، س. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی معیارهای همه‌پرسی خوب با تأکید بر قانون جامع همه‌پرسی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱ (۴)، ۱۱۷ - ۱۴۸.
- حق‌پناهان، ز.، حبیب‌نژاد، س. ا.، و عامری، ز. (۱۴۰۲). طراحی الگوی مطلوب ابتکار تقنینی در حقوق قانون‌گذاری ایران. *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۵ (۱۵)، ۳۵ - ۶۴.
- دادگر، ی. (۱۳۸۵). پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق و اقتصاد. *تحقیقات حقوقی*، ۴۳ (۱۴)، ۱۶۳ - ۲۰۶.

_____ (۱۳۹۱). آنچه مناسب است حقوق‌دانان و کارگزاران حقوق از اقتصاد بدانند. *تحقیقات حقوقی*، ۵۸ (۷)، ۴۳ - ۷.

طحان‌نظیف، ه.، و بهرامی حسن‌آبادی، م. (۱۴۰۳). شاخص‌های انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی با نگاهی به نظرات هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی

نظام. دانش حقوق عمومی، ۱۳(۱)، ۲۷ - ۵۲.

عطار، س. و مرکزالمیری، ا. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی قانونگذاری در ایران از منظر رویه ابتکار قانونگذاری. مجلس و راهبرد، ۲۵(۹۶)، ۲۱۳ - ۲۳۶.

قائم‌خرد، س. م. و درخشان، د. (۲۰۲۴). ابعاد فقهی و حقوقی «رای ممتنع» در مجلس شورای اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۱۳(۱)، ۱۵۳ - ۱۸۴.

کرکپاتریک، د. پ. و. ک. (۱۳۸۸). ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه. اطلاع‌رسانی حقوقی، ۱۷ و ۱۸.

مکارم، ر. ا.، درویشوند، ا. و جلیل‌زاده، ع. (۱۴۰۲). امکان و سازکارهای تشخیص قابلیت اعلام وصول طرح‌ها در مجلس شورای اسلامی مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری. دانش حقوق عمومی، ۱۲(۴)، ۱۴۵ - ۱۷۰.

مرکزالمیری، ا. و مهدی‌زاده، م. (۱۳۹۴). قانونگذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران. پژوهش حقوق عمومی، ۱۷(۴۷)، ۱۵۷ - ۱۸۴.

موسوی، س. م.، حسنونند، م.، رفیعی، ا. و افشاری، م. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی نظارت بر رفتار مالی نمایندگان مجلس در ایران، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، و فرانسه. دانش حقوق عمومی، ۱۳(۳)، ۱۶۵ - ۱۸۸.

والدرون، ج. (۱۳۸۸). اصول قانونگذاری. مترجم: حسن وکیلان. حقوق اساسی، ۱۲، ۱۱۵ - ۱۳۶.

اسناد و مدارک

جهانگیری، ا. م.، حبیب‌نژاد، س. ا. و هداوند، م. (۱۴۰۳). اصول حاکم بر تقنین طرح‌محور در مجلس شورای اسلامی (نقدها و بایسته‌ها). زاهدان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان. پایان‌نامه دانشجویی.

سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری (۱۳۹۸).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹).

قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور (۱۳۸۹).

مرکزالمیری، ا. (۱۳۸۸). ابتکار قانونگذاری؛ بررسی آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

در خصوص چگونگی ارائه طرح‌ها و لوایح قانونی. شماره مسلسل ۹۸۴۰.

انگلیسی

Aitken, V. E. (2013). "An exposition of legislative quality and its relevance for effective development." ProLaw Student Journal 2: 1-43.

Baird, D. G. (1998). Game Theory and the Law, Harvard University Press.

Benson, B. L. and E. M. Engen (1988). "The Market for Laws: An Economic Analysis of Legislation." Southern Economic Journal 54(3): 732-745.

Bice, S. H. (1980). "Rationality Analysis in Constitutional Law." Minn. L. Rev. 65: 17-18.

Boardman, A. E. (2011). Cost-benefit analysis: Concepts and practice, Pearson Education/Pearson Education.

Dellis, G. (2021). An economic analysis of public law: demos and agora, Edward Elgar Publishing.

Drucker, P. (2018). The effective executive, Routledge.

Johnston, P. (2010). Bad Laws: An explosive analysis of Britain's Petty Rules, Health and Safety Lunacies, Madcap Laws and Nit-Picking Regulations, Hachette UK.

Hood, C. (1986). The Tools of Government, Chatham House Publishers.

Kohler, M. (2023). "How to regulate?". from <https://www.howtoregulate.org/choosing-regulatory-topics/>.

Michelman, F. I. (1977). "Political markets and community self-determination: competing judicial models of local government legitimacy." Ind. LJ 53: 145.

Meuwese, A., et al. (2015). "The OECD Framework for Regulatory Policy Evaluation: An Initial Assessment." European Journal of Risk Regulation 6(1): 101-110.

Mousmouti, M. (2012). "Operationalising quality of legislation through the effectiveness test." Legisprudence 6(2): 191-205.

Michelman, F. I. (1977). "Political markets and community self-determination: competing judicial models of local government legitimacy." Ind. LJ 53: 145.

Nocetti, D. (2008). "The biasing effects of memory distortions on the process of legal decision-making." Review of Law & Economics 4(1): 319-339.

Rawls, J. (2017). A theory of justice. Applied ethics, Routledge: 21-29.

Xanthaki, H. (2013). Standards for legislation in Civil and Common Law

Countries: features, practices, common ground. Legislative Quality Workshop, Cape Town South Africa.

References

Books

- Baird, D. G. (1998). *Game Theory and the Law*, Harvard University Press.
- Boardman, A. E. (2011). *Cost-benefit analysis: Concepts and practice*, Pearson Education/Pearson Education.
- Dellis, G. (2021). *An economic analysis of public law: demos and agora*, Edward Elgar Publishing.
- Drucker, P. (2018). *The effective executive*, Routledge.
- Habibnejad, S. (2019). *A Commentary on Party Law*. Tehran: Khorsandi. (in Persian)
- Hood, C. (1986). *The Tools of Government*, Chatham House Publishers.
- Johnston, P. (2010). *Bad Laws: An explosive analysis of Britain's Petty Rules, Health and Safety Lunacies, Madcap Laws and Nit-Picking Regulations*, Hachette UK.
- Koen-J, M. (2011). *Discourses on Law and Legislation (Enhancing the Efficiency of Parliamentary Legislative Procedures)*. translated by Vakilian-Hassan. Tehran: Islamic Council Research Center. (in Persian)
- Naeimi, S. (2019). *An Introduction to the Approach of Economic Analysis of Law*. Tehran: Mizaan. (in Persian)
- Steven, S. (2009). *Fundamentals of Economic Analysis of Law*. translated by Mohsen Esmaeili. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (in Persian)
- Yadi Pour, M. (2010). *An Introduction to Law and Economics*. Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian)

Articles

- Aitken, V. E. (2013). "An exposition of legislative quality and its relevance for effective development." *ProLaw Student Journal* 2: 1-43.
- Attar, S., and Malkami, A. (2017). *The Pathology of Iranian Legislation System from the Perspective of the Legislative Initiative Procedure*. *Majles and Rahbord*, 25(96), 213-236.
- Babaei, A. (2007). *Theoretical Foundations of the Approach of Economic Analysis of Law*. *Journal of Law and Politics*, 9(23) (Special Issue on Economic Law and Economic Analysis of Law), 13-60.

- Benson, B. L. and E. M. Engen (1988). "The Market for Laws: An Economic Analysis of Legislation." *Southern Economic Journal* 54(3): 732-745.
- Bice, S. H. (1980). "Rationality Analysis in Constitutional Law." *Minn. L. Rev.* 65: 17-18.
- Dadgar, Y. (2006). An Introduction to the Synthesis of Law and Economics. *Legal Research Quarterly*, 43(14), 163-206.
- Dadgar, Y. (2012). What lawyers and legal professionals should know about economics. *Legal Research Quarterly*, 58, 7-43.
- Habibnejad, A. and Ameri, Z. (2019). Law-making in the Iranian Legislative System in the Light of Legislative-Drafting Models. *Parliament and Strategy*, (102), 241-265.
- Habibnejad, S. A., and Khoeini, S. (2021). A Comparative Study of Good Referendum Criteria with an Emphasis on A Comprehensive Referendum Law. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 8(4), 117-148.
- Haqqanahan, Z., Habibnejad, S. A., and Ameri, Z. (2023). Designing a desirable model of legislative initiative in Iranian legislative studies law. *Scientific Quarterly Journal of modern Research on Administrative Law*, 5(15), 35-64.
- Jahangiri, A. M., Habibnejad, S. A., and Hodavand, M. (2024). The Role and Place Of Depuration in Legislative Drafting. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 13(1), 185-207.
- Kirkpatrick, D. P. (2009). Evaluating the Impacts of Regulation in Developing Countries. *Quarterly Journal Legal Information*, 17 and 18.
- Meuwese, A., et al. (2015). "The OECD Framework for Regulatory Policy Evaluation: An Initial Assessment." *European Journal of Risk Regulation* 6(1): 101-110.
- Mousmouti, M. (2012). "Operationalising quality of legislation through the effectiveness test." *Legisprudence* 6(2): 191-205.
- Michelman, F. I. (1977). "Political markets and community self-determination: competing judicial models of local government legitimacy." *Ind. LJ* 53: 145.
- Markaz Malmiri, A. and Mahdi zadeh, M. (2015). Scattered Legislation in Iranian Legislative System. *Public Law Research*, 17(47), 157-184.
- Mousavi, S. M., Hasanvand, M., Rafiei, A., & Afshari, M. (2024). A Comparative Study of Monitoring Financial Behavior Of MPs In Iran, United States of America, England and, France. *Public Law Knowledge Quarterly*, 13(3), 165-188.
- Michelman, F. I. (1977). "Political markets and community self-determination: competing judicial models of local government legitimacy."

Ind. LJ 53: 145.

Nocetti, D. (2008). "The biasing effects of memory distortions on the process of legal decision-making." *Review of Law & Economics* 4(1): 319-339.

Qaimi Kharq, S. M., and Derakhshan, D. (2024). Jurisprudential and Legal Dimensions of "Abstention" in the Islamic Council of Iran. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 13(1), 153-184.

Rawls, J. (2017). *A theory of justice. Applied ethics*, Routledge: 21-29.

Tahan Nazif, H., and Bahrani Hasan Abadi, M. (2024). The Indicators of the Compliance of the Parliament with General Policies, with a look at the Opinions of the High Board of Supervision. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 13(1), 27-52.

Waldron, J. (2009). *Principles of Legislation*. translated by Hassan Vakilian *Constitutional Law*, 12, 115-136. (in Persian)

Documents

General policies of the legislative system (2018).

The Constitution of the Islamic Republic of Iran (1979).

The Law of Internal Regulations of the Islamic Council (2000).

The Law on Compilation and Revision of the Laws and Regulations of the Country (2010).

Jahangiri, A. M., Habibnejad, S. A., and Hodavand, M. (2024). *Principles Governing Project-Based Legislation in the Islamic Consultative Assembly (Critiques and Necessities)*. Zahedan: Azad University of Zahedan, Student Thesis. (in Persian)

Markaz Malmiri, A. (2009). *Legislative Initiative: An Examination of the Internal Regulations of the Islamic Consultative Assembly Regarding the Submission of Drafts and Bills*, Serial Number 9840.

Kohler, M. (2023). "How to regulate?". from <https://www.howtoregulate.org/choosing-regulatory-topics/>.

Xanthaki, H. (2013). *Standards for legislation in Civil and Common Law Countries: features, practices, common ground*. Legislative Quality Workshop, Cape Town South Africa.